

Regional competition and cooperation between Iran and Saudi Arabia, emphasizing the restoration of diplomatic relations in 2023

Rauf, Rahimi

Date of Received: 2023/04/06

Date of Acceptance: 2023/09/11

Abstract

Since 1979, few rivalries have influenced Middle East politics as much as the one between Saudi Arabia and Iran, and usually the relations between the two countries accompanied by competition and suspicion.

The aim of the current research is to evaluate different theories about the nature of competition and cooperation between Iran and Saudi Arabia and how it can be changed to cooperation. Therefore, in the framework of Pierre Bourdieu's sociological theory, this article is trying to answer the question of what is the nature of the competition between Iran and Saudi Arabia and how can this competition replace with expansion of cooperation now?

In response to this hypothesis, it was proposed that the competition between the two countries is political in nature, and at the same time, it is expressed in Islamic rhetoric, which is due to the desire of both sides to guarantee Islamic security and legitimacy, along with increasing influence throughout the Middle East conditioned to regional conditions.

Assistant professor of political sciences, University of Bojnord, Bojnord, Iran

r.rahimi@ub.ac.ir

 Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...



The results of the research indicate that, since the beginning of the revolution, there have been periods of open hostility and open closeness, conditioned to developments at the domestic level, regional and international politics in the relations between Iran and Saudi Arabia.

Finally, the developments were in a way that in the year 2023, led to the control of competition and increased cooperation.

Keywords: Cooperation, Competition, Balance of power, Regional influence, Agreement.



تحلیل رقابت و همکاری منطقه‌ای ج.ا. ایران و عربستان با تأکید بر احیای روابط دیپلماتیک در سال ۲۰۲۳

رئوف رحیمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

چکیده

از سال ۱۳۵۷، رقابت‌های کمی به اندازه رقابت بین عربستان و ایران بر سیاست خاورمیانه تأثیر گذاشته و معمولاً روابط دو کشور با رقابت و سوء ظن همراه بوده است. هدف پژوهش حاضر بررسی ماهیت رقابت و همکاری ایران و عربستان و چگونگی تغییر آن به همکاری است. براین اساس مقاله حاضر درچارچوب نظریه جامعه شناسی پیربردیو در صدد است به این پرسش پاسخ دهد که ماهیت رقابت میان ایران و عربستان چیست و چگونه این رقابت می‌تواند جای خود را به گسترش همکاری بدهد؟ در پاسخ این فرضیه مطرح شد که رقابت دو کشور ماهیت سیاسی دارد و در عین حال در لفاظی اسلامی بیان شده است که ناشی از تمایل دو طرف به تضمین امنیت و مشروعیت اسلامی همراه با افزایش نفوذ در سراسر خاورمیانه مشروط به شرایط منطقه‌ای است. نتایج تحقیق حاکی از آن است، از ابتدای انقلاب دوره‌هایی از خصومت آشکار و نزدیکی آشکار مشروط به تحولات در سطح داخلی، سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی در روابط ج.ا. ایران و عربستان شکل گرفته است. در نهایت تحولات به گونه‌ای بود که در سال ۲۰۲۳ به کنترل رقابت و افزایش همکاری منجر شد. لازمه کاهش رقابت و تداوم و گسترش همکاری اعتماد سازی، رعایت حسن همجواری و ایجاد موازنه قدرت با حسن نیت و رعایت اصل بی‌طرفی قدرت‌های بزرگ است. روش پژوهش، بررسی تطبیقی و روش جمع آوری داده ها کتابخانه‌ای و اسنادی است.

واژه‌های کلیدی: همکاری، رقابت، موازنه قدرت، نفوذ منطقه‌ای، توافق



۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران. r.rahimi@ub.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

در رقابت ج.ا. ایران و عربستان محیط‌های ژئوپلیتیکی و مذهبی به شیوه‌ای دیالکتیکی عمل می‌کنند و سیاست داخلی و خارجی آن‌ها را شکل می‌دهند. عربستان و ایران علاوه بر تلاش برای اعمال نفوذ و کسب مشروعیت از جهان اسلام، سعی در اعمال نفوذ ژئوپلیتیکی در سراسر خاورمیانه داشته‌اند. رویکردهای رئالیستی برای کاوش در مورد خاورمیانه بر ژئوپلیتیک تمرکز دارند و در عین حال نقش هنجارها را نادیده می‌گیرند. این امر هم از نظر تحلیلی مشکل ساز است و هم از نظر تجربی دشوار. زیرا برجستگی اسلام در تار و پود هر دو دولت، مسائل الهیاتی و سیاسی را در هم می‌آمیزد؛ اما این آمیختگی بر اساس مفهوم موسع امنیت (ارزش‌ها، جان و مال مردم و حفظ سرزمین) شکل می‌گیرد. بنابراین، حرکت فراتر از رویکرد رئالیستی به ما امکان می‌دهد تا موضوع مرجع امنیت را به تعامل سیاست، مذهب و امنیت منطقه‌ای تغییر دهیم. در واقع پس از قیام‌های عربی، شکاف‌هایی بین رژیم‌ها و جوامع پدید آمد که فرصت‌هایی را برای بازیگران خارجی ایجاد کرد تا در سراسر منطقه نفوذ کنند و از بی‌ثباتی محلی برای افزایش نفوذشان استفاده کنند. برعکس شرایط نامطمئن داخلی، قیام‌های مذکور گروه‌های محلی را وادار می‌کرد تا به دنبال منابع مادی که برای آنها ضروری تلقی می‌شد، به حامیان خارجی روی بیاورند تا نیازهای آنها را برآورده کنند. در چنین شرایطی، سیاست‌های محلی و منطقه‌ای در یک چرخه شروع به تعامل کردند که با قابلیت‌های مادی و ایده‌ای تسهیل و با بافت محلی و منطقه‌ای تشدید می‌شد. علاوه بر این، در حالی که هویت‌های فرقه‌ای غیرقابل انکار مهم هستند، عوامل دیگری شکل‌دهنده روابط و اتحادها هستند، همانطور که در مورد حمایت ایران از حماس دیده می‌شود. در اینجا، دیدگاه‌هایی از نظم که شامل وابستگی فرقه‌ای، دیدگاه ایدئولوژیک، زمینه سیاسی، عوامل اقتصادی و سرمایه اجتماعی است در درک و پرورش روابط مشروط و تسهیل شده توسط بافت فضایی، اساسی هستند که ادبیات پژوهشی موجود ایران به آن کمتر پرداخته‌اند. هم ریاض و هم تهران به دنبال به کارگیری منابع مادی و معنوی خود برای ایجاد روابط با بازیگران در سراسر منطقه بوده‌اند. لذا رویکرد رئالیستی نمی‌تواند منابع معنوی نفوذ دو کشور را تبیین نماید؛ زیرا روابط اغلب بین گروه‌هایی اتفاق می‌افتد که وفاداری‌های مذهبی مشترک داشتند، این امر همچنین شامل توسعه روابط بین گروه‌هایی بود که دیدگاه‌های مشترکی درباره نظم منطقه داشتند. روابط فرامرزی توسعه یافته توسط عربستان و ایران نشان می‌دهد، این روابط یک طرفه نیستند، بلکه می‌توانند توسط بازیگران محلی که به دنبال یافتن قدرت‌های منطقه‌ای قادر به حمایت هستند، هدایت شوند. این روابط در طول زمان و مکان به شکل متفاوتی انجام



می‌شوند که توسط پیچیدگی‌ها و بافت محلی شکل می‌گیرد. روابط صرفاً با گروه‌هایی که از خشونت استفاده می‌کنند ساخته نمی‌شود. در عوض، می‌توان با احزاب سیاسی، قبایل، گروه‌های مذهبی و شبکه‌های روحانی ارتباط برقرار کرد. بنابراین برخلاف اظهارات موجود در رسانه‌های غربی این رابطه دو سویه است و در چارچوب جنگ نیابتی نمی‌گنجد و نوعی از رابطه فراملی است که عربستان و ایران با بازیگران دولتی و غیر دولتی برقرار کرده‌اند. هزینه‌های بالای رقابت دو کشور و فواید زیاد همکاری ایران و عربستان برای دو کشور و منطقه با توجه به تحولات اخیر در رابطه دو کشور نگارنده را ترغیب کرد، ماهیت رقابت دو کشور در سال‌های اخیر و چگونگی گسترش همکاری بعد از احیای روابط مورد بررسی قرار دهد.

۱-هدف و سوال تحقیق

با توجه به واقعیت‌های مذکور، هدف مقاله حاضر در چارچوب نظریه جامعه‌شناسی پیربورديو بررسی ماهیت رقابت دو کشور و چگونگی گسترش همکاری بعد از احیای روابط دیپلماتیک در سال ۲۰۲۳ می‌باشد. بنابراین سوال اصلی پژوهش در راستای هدف اصلی عبارت است از: ماهیت رقابت میان ایران و عربستان چیست و چگونه این رقابت می‌تواند جای خود را به گسترش همکاری بدهد؟

۲-پیشینه تحقیق

مطالعات صورت گرفته در کشور ما درباره رقابت ایران و عربستان محدود به معمای امنیت و بهار عربی و تحولات بعد از آن است و بیشتر مربوط به حوزه امنیتی و در چارچوب رویکردهای رئالیستی است. در نتیجه از پرداختن به ماهیت رقابت و چگونگی افزایش همکاری در چارچوب رویکردهای پست مدرن بازمانده‌اند. همچنین در مورد بازگشایی سفارت خانه دو کشور در سال ۲۰۲۳ و دلایل روی آوردن دو کشور به کاهش رقابت و گسترش همکاری خلأ پژوهشی وجود دارد. مقاله حاضر گامی به سوی ارتقا مطالعات در زمینه همکاری و رقابت ایران با تاکید بر احیای روابط دو کشور در سال ۲۰۲۳ است که می‌تواند غنای ادبیات نظری در ایران را بهبود ببخشد؛ ادبیات پیشین را توسعه و پیشنهاداتی را نیز به سیاستگذاران ارائه دهد. برخی از پژوهش‌ها ی انجام شده در زمینه موضوع عبارتند از:



ردیف	عنوان مقاله / سال انتشار	نویسندگان	نتیجه تحقیق
۱	رقابت ایران و عربستان در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و مذهبی و پیامدهای آن از خلیج فارس تا دریای سرخ (۱۴۰۰)	غلامرضا فیروزی و همکاران	توافق هسته‌ای و افزایش نفوذ ایران در منطقه موجب شد عربستان راه نفوذ اسرائیل و امریکا در منطقه باز کند تا با ایران مقابله نماید
۲	تاثیر معمای امنیت بر رقابت میان ایران و عربستان (۱۳۹۹)	ابراهیم آرم و امین روان بد	سطح بالای معمای امنیت را عامل تشدید تنش در روابط دو کشور می‌دانند
۳	رقابت ایران و عربستان در خاورمیانه در چارچوب موازنه منافع شوئلز (۱۲۰۱۵-۱۲۱۷)	حسین پور احمدی میدی و وحید دارابی	رقابت ایران و عربستان برای همراهی کشورهای منطقه با خود در فاصله سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ انجام شد
۴	ایران و عربستان رقابت بر سر نفوذ در خاورمیانه (۱۳۹۵)	آرمینا آرم	توافق هسته‌ای و نقش ایران در عراق، سوریه و یمن باعث افزایش نفوذ ایران و در نتیجه تنش با عربستان شد

۱-۲- فرضیه، روش و سازماندهی تحقیق

فرضیه پژوهش عبارت است از: رقابت دو کشور ماهیت سیاسی دارد و در عین حال در لفاظی اسلامی بیان شده است که ناشی از تمایل دو طرف به تضمین امنیت و مشروعیت اسلامی همراه با افزایش نفوذ در سراسر خاورمیانه مشروط به شرایط منطقه‌ای است. روش پژوهش بررسی تطبیقی رقابت و همکاری منطقه‌ای ایران و عربستان و روش جمع‌آوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و اسنادی است. این پژوهش با بررسی سابقه رقابت و همکاری ایران و عربستان در دوره‌های تاریخی تلاش دارد در چند بخش به سوال اصلی پژوهش پاسخ دهد تا دریچه مناسبی برای تحلیل بهتر موارد مطالعاتی حاصل شود.

۳- چارچوب نظری: نظریه جامعه‌شناسی پیر بوردیو

نباید قلمرو را به عنوان یک فضای هستی‌شناختی محدود قبلی و در انتظار کنترل نگاه کرد. در عوض، از لحاظ تاریخی ممکن است، محصول محیط آن و سازماندهی و طبقه‌بندی نیروهایی باشد که منطق، فناوری و اشکال خاصی از تخصص را تحمیل می‌کنند

(Lefebvre, 1991: 9-30). به بیان ساده، دولت مدرن به سادگی قلمرو نمی گیرد، بلکه آنچه را که ما به عنوان قلمرو می شناسیم تولید می کند. همانطور که مجموعه ای از ادبیات نوپا مطرح کرده اند، تکه تکه شدن مدل نئو وبری به بازیگران اجازه داده است که موقعیت های ترکیبی بین دولت ها و بازیگران غیردولتی اشغال کنند. در اینجا، گروه هایی مانند حزب الله، حماس، حشد الشعبی بین ساختارهای نهادی رسمی دولت و بازیگران غیردولتی قرار گرفته اند و نقش ترکیبی را ایفا می کنند. پذیرش این امر به ما امکان می دهد تا روابط بین بازیگران مختلف، اعم از درون زا و برون زا را بهتر درک کنیم. یکی از رویکردهای متقاعدکننده تر برای درک عملکرد قدرت سیاسی در داخل دولت، توسط پیر بوردیو، نظریه پرداز اجتماعی فرانسوی ارائه شده است که رویکردی را ارائه می کند که هم به ساختار و هم به عاملیت اعتبار می دهد. رویکرد ارائه شده توسط بوردیو به ما اجازه می دهد تا فراتر از نهادهای رسمی تر مورد حمایت مدل نئو وبری حرکت کنیم. ترکیب ایده های میدان، عادت، اشکال سرمایه و خشونت نمادین بوردیو گزارش قانع کننده ای از تعاملات ارائه می دهد که ساختار و عملکرد قدرت، دولت و نظم اجتماعی را شکل می دهد. از نظر بوردیو چنین ترکیبی ضروری است، زیرا تلاش برای اندیشیدن به دولت در خطر است (Bourdieu, 1994: 1-5). برای دور زدن چنین چالش هایی، بوردیو رویکردی را پیشنهاد می کند که از نیاز به دانش بیشتر در مورد جهان اجتماعی و روش های استفاده از این دانش برای نظم بخشیدن به زندگی اجتماعی، حمایت می کند. در پی این امر، بوردیو مقوله خشونت نمادین را به فرمول معروف ماکس وبر، یعنی دولت بازیگری است که با موفقیت مدعی انحصار استفاده مشروع از زور فیزیکی بر قلمروی کاملاً مشخص است، اضافه می کند. این افزوده از این جهت اساسی است که به توانایی یک دولت در تجسم عینی و ذهنی خود به ترتیب در ساختارهای نهادی و ساختارهای ذهنی اشاره دارد. برای رسیدن به این نقطه، دولت نقطه اوج فرایند تمرکز گونه های مختلف سرمایه است (Bourdieu, 1994: 5-8). مفاهیم کلیدی تحلیلی پیر بوردیو از «میدان» و اشکال مختلف «سرمایه» امکان این نوع بررسی را فراهم می کند و بر ماهیت سیال و رقابتی حوزه سیاسی تأکید می کند. جامعه شناسی رابطه ای او توجه را به رقابت تعیین کننده متقابل بین کسانی که تلاش می کنند مفاهیم متفاوتی از هویت سیاسی را تحمیل کنند، جلب می کند. تمرکز او بر خشونت نمادین بر این واقعیت تأکید دارد که این رقابت در نهایت در مورد مبارزه ای است برای تحمیل یک دیدگاه مسلط از اینکه مثلاً عراق چیست و عراقی ها در کل عرصه سیاسی چه کسانی هستند (Dodge, 2018: 25-38). بوردیو رویکردی رابطه ای را پیشنهاد می کند که در آن بازیگران -افراد، گروه ها و دولت ها -



واحدهای وابسته به هم هستند که در مبارزات رقابتی شرکت دارند (Bourdieu, 1990: 56). از نظر بوردیو عادت یک فرد، تعامل آنها با دنیای اطراف را شکل می‌دهد و به تعیین اقدامات آنها کمک می‌کند. همانطور که بوردیو و دیگران تصدیق می‌کنند، اصول بنیادی وجود دارد که عملکرد یک حوزه یا جامعه را تنظیم می‌کند که به آن *nomos* می‌گویند. از نظر بوردیو هنجارها محصول زمان و مکان هستند (Ajami, 1978: 355-373). مفاهیمی که بوردیو مطرح می‌کند: او سرمایه را فراتر از مفهوم دارایی می‌داند و معتقد است سرمایه ممکن است اجتماعی، فرهنگی یا نمادین باشد. سرمایه فرهنگی نقش محوری در روابط قدرت اجتماعی ایفا می‌کند، زیرا این امر ابزاری را برای شکلی غیراقتصادی از سلطه و سلسله مراتب فراهم می‌کند. از نظر بوردیو نظم اجتماعی به تدریج در ذهن مردم از طریق “محصولات فرهنگی” شامل سیستم‌های آموزش، زبان، قضاوت و ارزش‌ها ثبت می‌شود. برای بوردیو سرمایه اجتماعی به طور جدایی ناپذیری با زمینه مرتبط است. از نظر بوردیو عادت از طریق یک فرآیند اجتماعی و نه فردی ایجاد می‌شود که منجر به الگوهای بادوام و قابل انتقال از یک زمینه به زمینه دیگر می‌شود، اما همچنین در رابطه با زمینه‌های خاص و در طول زمان تغییر می‌کند. عادت‌ها ثابت یا دائمی نیست و می‌تواند تحت شرایط غیرمنتظره یا طی یک دوره تاریخی طولانی تغییر کند. عادت نه نتیجه اراده آزاد است و نه توسط ساختارها تعیین می‌شود، بلکه توسط نوعی تعامل بین این دو در طول زمان ایجاد می‌شود. سومین مفهومی که در نظریه بوردیو اهمیت دارد، ایده «میدان‌ها» است که عرصه‌های اجتماعی و نهادی گوناگونی هستند که در آن افراد تمایلات خود را بیان و بازتولید می‌کنند و جایی است که برای توزیع انواع مختلف سرمایه رقابت می‌کنند. حوزه شبکه، ساختار یا مجموعه‌ای از روابط است که ممکن است فکری، مذهبی، آموزشی، فرهنگی و... باشد. افراد اغلب بسته به اینکه در یک لحظه در کدام زمینه قرار دارند، قدرت را متفاوت تجربه می‌کنند، بنابراین زمینه و محیط تأثیرات کلیدی بر روی عادت هستند: بوردیو تنش‌ها و تضادهایی را توضیح می‌دهد که وقتی مردم با زمینه‌های مختلف مواجه می‌شوند و با آن‌ها به چالش کشیده می‌شوند، به وجود می‌آیند (Bourdieu, 1990: 60-66).

نظریه او را می‌توان در مقاله حاضر برای توضیح رقابت و همکاری منطقه‌ای ایران و عربستان و اینکه چگونه مردم و احزاب منطقه می‌توانند در یک [زمینه] در برابر قدرت و نفوذ عربستان و ایران مقاومت کنند و در دیگری ابراز همکاری با این دو کشور کنند، استفاده می‌شود.

۱-۳- سیر تاریخی رقابت و همکاری ایران و عربستان

پس از جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، دهه ۱۹۹۰ دوره ادراک نسبتاً محدود از تهدید بود و همگرایی منافع با رهبری عملگرا تر، میانه روتر و اصلاح طلب ایران در دوره ریاست جمهوری رفسنجانی (۱۹۸۹-۱۹۹۷) و سپس در زمان ریاست جمهور خاتمی همراه بود. روابط دیپلماتیک در سال ۱۹۹۱ به سطح سفیر ارتقا یافت و پایه و اساس دوره طلایی روابط دوجانبه از سال ۱۹۹۶ را ایجاد کرد. با بمباران برج‌های "خبر" که نیروهای آمریکایی در عربستان در سال ۱۹۹۶ مستقر بودند، تقریباً از ریل خارج شد، که در ابتدا تصور می‌شد کار ایران و سپاه بود، اما بعدها گفته شد که کار القاعده است (The New York Times, 2023: 1-3). ولیعهد عبدالله در سال ۱۹۹۹ میزبان خاتمی بود که اولین سفر یک رئیس جمهور ایران به عربستان از زمان انقلاب ۱۳۷۹ بود. در نتیجه در نهایت عربستان و ایران در سال ۲۰۰۱ یک بسته سیاسی، اقتصادی و امنیتی منعقد کردند. شاهزاده نایف، وزیر کشور وقت عربستان، در آن زمان گفته بود که امنیت ایران وابسته به امنیت عربستان است و بالعکس (Al-Maeena, 2001: 1-2). هاشمی رفسنجانی بعداً با بیان اینکه ملک سلمان ضدایرانی نیست، گفت: زمانی که [ملک سلمان بن ابوالعزیز آل سعود] استاندار استان ریاض بود، میزبان او بوده و همه چیز برادرانه و سازنده بوده است (hashemirafsanjani, 2015: 1). این نزدیکی تا اواسط دهه ۲۰۰۰ ادامه داشت. مداخله آمریکا در عراق در سال ۲۰۰۳ نفوذ ایران را در این کشور تسهیل کرد و غنی‌سازی اورانیوم در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد در نهایت موجب تنش شد. ملک عبدالله در سال ۲۰۱۰ از دولت او باما خواست فعالیت هسته‌ای ایران را متوقف کند و حتی برای این هدف خواستار حمله نظامی آمریکا علیه ایران شد (Gause, 2014: 1-2). فرقه‌گرایی توسط عربستان به عنوان مبنای مفیدی برای فعالیت‌های ضدانقلاب، در واکنش به قیام‌های عربی و فرصت‌های ایجاد شده توسط دولت‌های ضعیف و شکست خورده، آغاز شد. ناتوانی عربستان در همکاری با کشورهای سنی دیگر مانند ترکیه در صحنه‌هایی مانند سوریه، یادآور این است که فرقه‌گرایی در توضیح ژئوپلیتیک کنونی نقش محدودی دارد (The World Bank, 2021: 5-7). عربستان نیروهایی برای برابری با ایران ندارد و به همین دلیل به چتر امنیتی آمریکا وابسته است تا توازن قوا در خلیج فارس را از بین ببرد. با این حال، ایران در ایجاد نفوذ منطقه‌ای خود از طریق شبکه‌ای از بازیگران دولتی و غیردولتی چندین دهه جلوتر است. ایران همچنین دارای برد گسترده‌ای از موشک‌ها مانند شهاب ۱ (۳۰۰ کیلومتر برد)، فاتح-۱۱۰ (۳۰۰ کیلومتر برد)، شهاب ۲ (برد ۵۰۰ کیلومتر)، ذوالفقار (با برد ۷۰۰ کیلومتر)، قیام-۱ (برد ۸۰۰ کیلومتر)، شهاب ۳ (۲۰۰۰ کیلومتر برد)، سجیل (۲۰۰۰



کیلومتر برد) و سومار (موشک کروز با برد ۲۵۰۰ کیلومتر) است که اکثر موشک‌های کوتاه برد قادر به هدف قرار دادن کشورهای شورای همکاری خلیج فارس هستند (Pamuk, 2019: 4-6). ادامه تحریم‌های آمریکا علیه ایران منابع اقتصادی کشور ایران را تضعیف کرده است. اما فعالیت‌های منطقه‌ای آن به ایران اهرم قابل توجهی در برابر کشورهای عربی خلیج فارس و آمریکا می‌دهد (Roches, 2020: 3-6). برخلاف عربستان، ایران در مواقعی در دور زدن اختلافات فرقه‌ای برای به حداکثر رساندن نفوذ ماهر بوده است. به عنوان مثال، در سفر یاسر عرفات برای دیدار با امام خمینی در ایران، روز قدس به تقویم ایران اضافه شد که در تضاد با روز اورشلیم اسرائیل طراحی شده است. فلسطین همچنان در دستور کار سیاست خارجی ایران قرار دارد. آیت‌الله خامنه‌ای مانند امام خمینی در پی نشان دادن اتحاد بین سنی و شیعه بود، اما آل سعود به سرعت به دنبال تثبیت موقعیت خود با شکل دادن به انقلاب به عنوان شیعه و فارس بود و به دنبال انکار مشروعیت فراجناحی جمهوری اسلامی - با کاهش جذابیت برای اعراب سنی - بود. در حالی که برجستگی دین با گذشت زمان کمرنگ شد، اما تردیدی وجود ندارد که کسانی که از سرمایه دینی بهره می‌برند توانایی اعمال نفوذ بر حوزه فراملی دارند (Reuters Staff, 2017: 1-5). جواد ظریف با انعکاس آگاهی از خطرات ناشی از اختلافات فرقه‌ای، از آن به عنوان جدی‌ترین تهدید امنیتی نه تنها برای منطقه، بلکه برای جهان به طور کلی یاد کرد. حسن روحانی، رئیس‌جمهور سابق ایران نیز بیان کرد، نه هلال شیعه و نه سنی، ماه اسلامی داریم. ما مسلمانان در جهانی هستیم که باید متحد باشیم (Euronewss, 2015: 1-2). در دوره تشدید تحریم‌های تحت رهبری آمریکا، هدف عربستان و آمریکا این بود نفوذ منطقه‌ای ایران جای خود را به نگرانی‌های عمومی ایران در مورد نیازهای اقتصادی داخلی بدهد. در حالی که عربستان توانسته است در تعقیب نفوذ از سرمایه‌های اقتصادی سود ببرد. نفوذ ایران در سرتاسر خاورمیانه از طریق مکانیسم‌های مختلفی از جمله سرمایه فرهنگی، پیوندهای مذهبی و حمایت مالی اعمال می‌شود. از زمان انقلاب، مقامات روایت مقاومت را توسعه داده‌اند که به آن‌ها کمک کرده است تا از شکاف‌های فرقه‌ای فراتر روند. محور مقاومت بر اساس وضعیت غیر متعهد ایران و مقاومت دیرینه در برابر اسرائیل شکل گرفته است.

حمایت ایران از گروه‌هایی مانند حزب الله و حماس توجه به روایت مقاومت با تکیه بر روایت نبرد کربلا آشکار می‌کند. در نتیجه، ایده‌های گناه و شهادت در اندیشه شیعه، پرورش روایتی را تسهیل می‌کند که در میان شیعیان جهان جذابیت پیدا می‌کند. در مقابل، نفوذ عربستان عمدتاً از طریق روش‌های مالی به دست می‌آید، اگرچه از طریق تکثیر روحانیون وهابی و پول برای حمایت از توسعه زیرساختی حمایت می‌شود. در سال ۲۰۲۱،

مقام رهبری، یک فرمانده نیروی دریایی را منصوب کرد که سنی گردد است. این اقدام بار دیگر بر تمایل ایران برای عبور از مرزهای فرقه‌ای تاکید می‌کند، اما شاید یک سیگنال کاهش تنش به عربستان نیز باشد. هر زمان که عربستان تلاش کرده تا بر بازیگران دولتی و غیردولتی تأثیر بگذارد، نتیجه اغلب نامطلوب بوده است. حمایت از علاوی در عراق در سال ۲۰۰۵، تلاش برای میانجیگری در مذاکرات وحدت بین حماس و فتح در سال ۲۰۰۷، و حمایت از حریری وائتلاف ۱۴ مارس ۲۰۰۹ از جمله این موارد است (Gause, 2011: 1-4). به دلیل روابط نزدیک امنیتی عربستان با آمریکا، آل سعود در نهایت مورد هدف گروه‌هایی مانند القاعده قرار گرفته‌اند که آنها را حاکمان نامشروع می‌دانند. عربستان و امارات متحده عربی، همراه با آمریکا، با حمایت از حملات فرامرزی جندالله از پاکستان، که توسط آمریکا از سال ۲۰۰۵ تشویق شده است، تلاش کرده‌اند از تنوع قومیتی ایران استفاده کنند (Musavian, 2020: 117). در سال ۲۰۱۵، ائتلاف نظامی اسلامی ضد تروریسم به مرکزیت ریاض برای مقابله با داعش تشکیل شد، اما همچنان ایران را از عضویت خود حذف می‌کند. اعدام شیخ نمر النمر ناگزیر با اعتراضات ایرانیان و یورش به سفارت عربستان در تهران و کنسولگری در مشهد در ژانویه ۲۰۱۶ همراه بود. دیدگاه عربستان در آن زمان این بود که ایران تلاش می‌کند در مناقشات منطقه‌ای دخالت کند و محمد بن سلمان مقامات ایران را با هیتلر در نوامبر ۲۰۱۷ مقایسه کرد و همچنین اظهار داشت که «مماشات» کارساز نیست و خواستار خروج آمریکا از برجام شد (Hiro, 2019: 7-8). هرگونه احیا برجامی که به توانایی‌های موشکی ایران، قابلیت‌های جنگ نامتقارن آن، به‌ویژه موشک‌های هدایت‌شونده توجه نداشته باشد، برای عربستان مشکل‌ساز تلقی شده است. وزارت امور خارجه ایران در سال ۲۰۲۱ اعلام کرد: هیچ مذاکره‌ای در مورد قدرت دفاعی ایران انجام نشده و یا در حال انجام نیست. این امر باعث شده طرح صلح هرمز ایران، شامل آزادی دریانوردی و امنیت انرژی، تلاش‌های منطقه‌ای برای جلوگیری از جنگ و خشونت، مقابله با تروریسم و گسترش همکاری‌ها که در سال ۲۰۱۹ به سازمان ملل ارائه شد، بر محاسبات راهبردی عربستان تأثیری نداشته باشد. با این حال، ظریف، وزیر امور خارجه وقت ایران، اظهارات شاهزاده نایف را تکرار کرد و در سال ۲۰۲۱ اظهار داشت: دکترین همسایگی ما این است که ما مجبوریم برای همیشه با هم زندگی کنیم. ما در همسایگی خواهیم ماند. دیگران می‌آیند و می‌روند (Tehran Times, 2021: 1). در نهایت شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و عربستان را در سال ۲۰۲۳ به سمت احیای روابط دیپلماتیک سوق داد.

۲-۳- ماهیت رقابت ایران و عربستان

تلاش برای درک ماهیت رقابت بین عربستان و ایران معمولاً در سه دسته نظری قرار می‌گیرد. اولین دسته استدلال می‌کنند که رقابت ناشی از مبارزه برای برتری منطقه‌ای است؛



یعنی رقابت ژئوپلیتیکی که با نگرانی در مورد سازماندهی امنیت منطقه شکل می‌گیرد. فورتنگ استدلال می‌کند که دوره‌های متناوب همزیستی مسالمت آمیز نشان می‌دهد که اختلاف ظاهری بین این دو دولت نه ذاتی است و نه غیرقابل حل، بلکه ناشی از شرایط خاصی است که در سطح داخلی و منطقه‌ای ایجاد می‌شود (Furtig, 2006: 1). بنابراین در حالی که برخی استدلال می‌کنند که این مبارزه برای هژمونی در سراسر خاورمیانه یا جهان اسلام است، اما تمایل به هژمونیک در میان بازیگران در خاورمیانه به طور معمول محکوم به شکست است؛ زیرا بازیگران زیادی در خاورمیانه فعال هستند. نکته‌ای که گریگوری گاوز به آن اشاره کرده است. گاوز استدلال می‌کند که ماهیت چند قطبی نظم، به وسیله ظرفیت‌های مادی و ایده‌ای همراه با نفوذ بازیگران خارجی در سیاست منطقه‌ای پی ریزی شده است و آرزوهای هژمونیک را محکوم به شکست می‌کند (Gause, 2020: 1-6). هم عربستان و هم ایران به دنبال شکل دادن به سیاست‌های منطقه‌ای بر اساس دیدگاه‌های سیاسی خاص هستند، با این حال ترکیه، قطر، اسرائیل، حزب الله، داعش، امریکا، چین و غیره نیز این کار را انجام می‌دهند. در این ترکیب پیچیده تعاملات، هر بازیگر به دنبال تحمیل دیدگاه خاص خود از نظم در منطقه از طریق ایجاد روابط با بازیگران در سراسر منطقه در قالب احزاب سیاسی، شبه‌نظامیان، روحانیون یا حمایت گسترده‌تر مردمی از طریق رسانه‌ها است. در حالی که قدرت و نفوذ بین بازیگران نسبی است و در طول زمان و مکان متفاوت است؛ در چنین شرایطی، صحبت از تلاش برای هژمونی که با مجموع صفر در نظر گرفته می‌شود، نادرست به نظر می‌رسد. آنچه به ویژه در مورد رقابت بین عربستان و ایران مطرح است، رقابت بر سر نظم، بین دیدگاه‌های مختلف در مورد چگونگی سازماندهی سیاست منطقه‌ای است. کیانوش تحلیلگر خاورمیانه نیز رقابت و همکاری بین ایران و عربستان را به نقش بازیگران خارجی در منطقه و منطق سیاست قدرت مرتبط می‌داند که اگر بازیگران خارجی مانند امریکا نقش سازنده‌ای در روابط دو کشور ایفا کنند و منطق سیاست قدرت بین دو کشور تغییر کند رقابت به همکاری تبدیل می‌شود (Keynoush, 2016: 31-36). برای فرد هالیدی و ری هینبوش^۲، دو تن از مشاهیر روابط بین‌المللی در خاورمیانه، درک تحولات منطقه‌ای نیاز به تأمل در امور داخلی و تأثیر این دسیسه‌ها در سطح منطقه‌ای دارد. هالیدی استدلال می‌کند، رقابت بین عربستان و ایران نه چندان محصول مداخله امپریالیستی یا خصومت تاریخی نیاکان، بلکه محصول دو فرآیند مدرن تشکیل دولت و ظهور ناسیونالیسم است (Halliday, 1996: 22). پل نوبل یک محیط هنجاری مشترک را در روابط ایران و عربستان مطرح کرده است. از نظر او برجستگی اسلام در هر دو کشور

² Fred Halliday and Ray Hinnebusch

چنین فضایی را ایجاد می‌کند. برای عربستان و ایران، ادعای رهبری و مشروعیت اسلامی ابزار افزایش رقابت برای قدرت و نفوذ در سراسر منطقه است. اگرچه عربستان یک نظام سیاسی پادشاهی دارد؛ اما خاندان حاکم آل سعود به عنوان متولیان دو مکان مقدس مکه و مدینه عمل می‌کنند و مشروعیت اسلامی را از حمایت کسانی که به حج می‌روند، به دست می‌آورند. در عربستان نیز روحانیون در طول تاریخ از آل سعود حمایت کلامی کرده و اقدامات خاندان حاکم را در ازای جایگاه برجسته در داخل عربستان مشروعیت بخشیده‌اند (Mabon, 2020: 3-6). علیرغم اینکه زندگی سیاسی تحت فرمان ولی فقیه در ایران و شاه در عربستان است، افراد و جناح‌ها می‌توانند جلوه‌ای از چشم اندازهای نظم را شکل دهند. این چشم انداز نظم در ایران به عنوان «محور مقاومت» شناخته شد و شامل گروهی از بازیگران شامل ایران، سوریه، حزب الله، نیروهای بسیج مردمی عراق، حوثی‌ها و حماس می‌باشد (EL Hussein, 2003: 810-815). در مقابل، استراتژی سیاست خارجی عربستان عمدتاً با میل به حفظ وضعیت یا نظم موجود و در نهایت بقای سلسله‌های سلطنتی و رژیم‌های اقتدارگرا هدایت می‌شود. در واقع، سالوخ و دیگران استدلال می‌کنند که در بحبوحه یک مبارزه بزرگ ژئوپلیتیکی که گاوز از آن به عنوان «جنگ سرد خاورمیانه جدید» یاد می‌کند. رقابت بین عربستان و ایران فراتر از رویارویی‌های سنتی رئالیستی به شکلی از رقابت ایده‌ها درآمده است که از شبکه‌های بازیگران فراملی در سراسر فضا استفاده می‌کند و منجر به شکل‌گیری اتحاد بین بازیگران در سطح منطقه‌ای و محلی می‌شود (Stephen R, 1991: 233-256). بنابراین ماهیت رقابت بین ایران و عربستان تغییر پیدا کرده است. همانطور که داروین استدلال می‌کند، ایجاد اتحادها و برعکس، شناسایی تهدیدها ناشی از این است که چگونه و چه زمانی رژیم‌ها عوامل عقیدتی یا مادی را در اولویت قرار می‌دهند (Darwich, 2019: 3-10). شیرین هانتر نیز دولت‌سازی و مدرن‌سازی در جهان عرب، میراث استعمار، پویایی سیاست بین الملل و تغییر سیاست بازیگران کلیدی جهان در قبال ایران و عربستان عواملی می‌داند که ماهیت پیچیده رقابت را شکل می‌دهند (Hunter, 2019: 208). بنابراین ماهیت رقابت بین دو قدرت منطقه‌ای بر اساس تعدادی از عوامل مختلف به ویژه قومیت، فرقه، ژئوپلیتیک، دیدگاه نظم منطقه‌ای و رابطه با قدرت‌های خارجی شناسایی شد. براساس این عوامل، روابط میان بازیگرانی که دیدگاه‌های مشابهی با ریاض یا تهران دارند پرورش یافته است. بنابراین سه رویکرد مورد ماهیت رقابت شناسایی شد. رویکرد نخست، دیدگاه‌های مشترک یا متفاوت در مورد نظم، چه محلی یا منطقه‌ای مطرح کرده است که به گروه‌ها اجازه می‌دهد بر اساس باورهای مشترک یا دیدگاه‌های نظم گرد هم آیند یا به خاطر تفاوت در این زمینه‌ها با هم رقابت



کنند. رویکرد دوم استدلال می‌کند که این رقابت نتیجه دشمنی چند صد ساله درون اسلام است که از «نفرت‌های دیرینه» ناشی می‌شود که سنی‌ها را در مقابل شیعه قرار می‌دهد. طرفداران چنین دیدگاهی معتقدند که رقابت بین عربستان و ایران ناشی از تجلی معاصر این تنش مذهبی است. رویکرد سوم استدلال می‌کند که دین به عنوان مکانیزم کنترل در کنار و در درون نگرانی‌های ژئوپلیتیکی مورد استفاده قرار گرفته است که منجر به رقابتی می‌شود که در طول زمان و مکان رخ می‌دهد و زمینه‌های محلی را شکل می‌دهد و توسط آن‌ها شکل می‌گیرد. با توجه به واقعیت‌های موجود، رویکرد سوم در حال حاضر قدرت تبیین بیشتری برای توضیح رقابت ایران و عربستان از بهار عربی به بعد دارد.

۴- بهار عربی و نقش آن در تشدید رقابت‌ها

تهران پیش‌بینی می‌کند که آشفته‌گی پس از بهار عربی در بحرین، با ترکیب اجتماعی تقسیم شده و اقتدار رو به زوال دولت آن، در صورت غفلت از جمعیت شیعی خود، در سراسر کشورهای عربی خلیج فارس تکرار خواهد شد. در این سناریوهای فرضی، برای تهران آینده‌ای متصور می‌شود که در آن تنها مرکز، مقاومت در منطقه خواهد بود. در حالی که آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن باید در خاورمیانه جدید نفوذ بخرند، ایران کافی است به اصول ضد آمریکایی انقلاب خود که سرنوشت منطقه را شکل می‌دهد، تکیه کند. عربستان قصد دارد با ادعاهای ایران مقابله کند، اما رقابت آنها برای تأثیرگذاری بر رویدادها برای هر دو، به جز منطقه پیچیده و پرهزینه بوده است. در مصر، عربستان برای برکناری اخوان المسلمین از قدرت در سال ۲۰۱۳ سرمایه‌گذاری کرد. ایران از ناکامی اخوان المسلمین در تامین قدرت ناامید شده بود و اعضای پارلمان آن حزب را به خاطر عدم پاکسازی ارتش و ایجاد شبکه‌های مردمی جایگزین با پیروی از الگوی انقلابی ایران برای ماندن در قدرت، مقصر دانست (Keynough, 2016: 36-42). در همین حال، اخوان المسلمین به عنوان یک گروه روشنفکر سنی برجسته و دلسوز شیعیان، عربستان را با احتیاط در مورد دکترین‌های وهابی ضد شیعی زیر سوال برد. اقدامات ریاض برای کنترل اخوان المسلمین نتیجه معکوس داد. قطر و ترکیه از اعضای این گروه در سراسر جهان عرب به عنوان صدای اسلام‌گرای جایگزین برای وهابی‌های تندرو حمایت کردند. این به نوبه خود، مداخلات منطقه‌ای قطر و ترکیه در سوریه را با هدف رد نفوذ عربستان و ایران باز کرد. همچنین واشنگتن را به سمت پذیرش نقش اخوان المسلمین در سوریه و یمن متمایل کرد و عربستان را وادار به موافقت کرد. زمانی که اخوان المسلمین الهام بخش شیعیان عرب در کشورهای خلیج فارس شد، شیعیان کویت آشکارا از ریاض خواستند تا خصومت‌های نظامی خود را از سال ۲۰۰۴ علیه شیعیان مسلح یمن متوقف کند، زیرا

معتقدند این اقدام به شورش یمن دامن زده است (Mabon, 2020: 1-2). عربستان سه پیشنهاد صلح را که ایران در مورد یمن ارائه کرده بود، نادیده گرفته بود، دو پیشنهاد به سازمان ملل و یکی مستقیم به ریاض. تصمیم عربستان برای گنجاندن اردن و یمن به عنوان بخشی از شورای همکاری خلیج فارس شکست خورد. زمانی که به نظر می‌رسید سیاست‌های سعودی تنش‌ها را در میان شیعیان خلیج فارس افزایش داده و اخوان المسلمین ناراضی مستقر در خلیج فارس را قدرتمند کرده است، کشورهای کوچک‌تر عربی خلیج فارس به سختی مایل بودند که به ریاض اجازه دهند نقش قیمومیت در چنین اتحادیه‌ای را به عهده بگیرد. روابط بین ریاض و تهران بر سر عراق آسیب چندانی نداشت (Mabon, 2020: 4-10). تهران به کار بر روی ارتش بعث سوریه با تشویق آن به ایجاد شبکه‌های مردمی جایگزین از داوطلبان محلی برای تضمین دوام قدرت خود ادامه داد. زمانی که بشار اسد برای از بین بردن ذخایر تسلیحات شیمیایی سوریه به توافق رسید، ریاض نگران بود. بعداً، امتناع واشنگتن از حمایت یا تسلیح شدید ائتلاف ملی سوریه و ارتش آزاد سوریه باعث پیشروی قاطع ارتش سوریه و شکست مخالفان دولت سوریه شد. این امر نقش مداخلات خارجی در رقابت منطقه‌ای از جمله بین ایران و عربستان آشکارتر می‌سازد (Mabon, 2020: 11-20).

۱-۴- مداخلات خارجی و مسئله موازنه قدرت برای بهبود روابط

تضمین‌های امنیتی خارجی در منطقه از انتقال موازنه قدرت بین‌المللی از بریتانیا به آمریکا و همچنین درگیری‌ها و تحولات منطقه‌ای تأثیر پذیرفته است. بنابراین، ایدئولوژی و رفتار منطقه‌ای ایران برای مقابله با گسترش منافع انرژی آمریکا در خلیج فارس و همچنین روابط امنیتی نزدیک آمریکا با اسرائیل وارد عمل شده است. تنش‌های آمریکا و ایران عامل مهمی در تنش‌های ایران و عربستان بوده است؛ زیرا ایران به دنبال جلوگیری از محاصره خود توسط عربستان، اسرائیل و آمریکا بود. درک تهدید ایران برگرفته از مبلغان مسیحی آمریکایی اعزامی به ایران بین سال‌های ۱۸۳۴ و ۱۹۳۴، تهاجم انگلیس و شوروی به ایران در سال ۱۹۴۱ و کودتای سازمان سیا / اطلاعات بریتانیا علیه مصدق، نخست‌وزیر ملی‌گرا در سال ۱۹۵۳ است و با بحران گروگان‌گیری آمریکا در سال ۱۹۷۹، حمایت ایران از بازیگران غیردولتی مانند حزب الله تشدید شده است. جدول شماره ۱ اقدامات رقابتی عربستان، ایران و آمریکا برای تضمین امنیت منطقه در راستای تمایلات خود را نشان می‌دهد:

اقدامات رقابتی عربستان برای تضمین امنیتی منطقه خلیج فارس و فراتر از آن خاورمیانه	اقدامات رقابتی ایران برای تضمین امنیتی منطقه خلیج فارس و فراتر از آن خاورمیانه	دلایل مداخله امریکا در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه
استفاده از سلاح نفتی برای تضعیف اقتصاد ایران	مخالفت با حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه که ناشی از درک تاریخی ایران از تهدید و تاکید بر تضمین امنیت منطقه توسط خود کشورهای منطقه بدون دخالت قدرت‌های خارجی	تضمین امنیتی منطقه خلیج فارس در راستای منافع خود و متحدان منطقه‌ای
حمایت از سیاست‌های امریکا برای منزوی کردن ایران مانند جنگ تحمیلی، تداوم تحریم امریکا	حمایت از حزب الله و در کل جریان مقاومت	ثبات منطقه خلیج فارس و خاورمیانه
حمایت از استراتژی مهار امریکا علیه ایران	تلاش برای شکل‌گیری نظم منطقه‌ای توسط جریان مقاومت	حفظ جریان نفت به غرب و جهان
فرقه‌گرایی	فرقه‌زدایی با تاکید بر اتحاد اسلامی برای خنثی کردن طرح عربستان و امریکا و اسرائیل	دسترسی به بازارهای مصرف
تاکید بر ناسیونالیسم عربی و تلاش برای دور کردن کشورهای منطقه از ایران و تلاش برای اعتبارزدایی از ج.ا.ایران	حمایت از جریان‌های سیاسی در کشورهای منطقه برای دستیابی آن‌ها به قدرت و گسترش جبهه مقاومت	فروش تسلیحات به متحدان و مهار مخالفان منطقه‌ای

منبع: نگارنده

اما تبدیل شدن به دوستان یا دشمنان سرسخت هرگز ماهیت یا هدف عربستان و ایران نبوده است، همانطور که تاریخ آنها در یک دوره نزدیک به یک قرن نشان می‌دهد. هدف این رابطه حیاتی، دستیابی به موازنه قدرت برای تضمین امنیت خلیج فارس و فراتر از آن درجه‌ای از ثبات در خاورمیانه است. با این حال، از آنجایی که محور روابط عربستان و ایران حول محور سیاست‌های آمریکا در منطقه می‌چرخد، هدف اصلی استراتژی امنیتی واشنگتن باید تشویق روشمند به موازنه قدرت بین ریاض و تهران صرف نظر از ماهیت دولت‌ها یا ساختارهای سیاسی آنها باشد. مهم نیست که دستیابی به این هدف چقدر سخت است یا روابط آمریکا با ایران چقدر دشوار به نظر می‌رسد، یا اینکه رهبری عربستان

تا چه اندازه در مورد نیاز به موازنه با ایران طفره می‌رود، قدرت خود تعادلی ارگانیک بازیگران منطقه‌ای، نسبت به برنامه‌ها یا سیاست‌های کوتاه‌مدت آمریکا، تضمین‌های امن‌تری برای امنیت بلندمدت منطقه هستند. مداخلات خارجی غالباً عدم توازن قدرت در خاورمیانه را تشدید و منطقه را از هم می‌پاشد (Ghattas, 2020: 80-81). تا به امروز، آمریکا به طور کامل از نقش‌های منطقه‌ای عربستان و ایران قدردانی نکرده است و در نتیجه فرصت‌هایی را برای بازگرداندن توازن قوا بین آنها به ضرر تأمین صلح در خاورمیانه مختل کرده است (Hunter, 2019: 208).

جدول شماره ۲ اقدامات لازم برای تضمین امنیتی در منطقه در راستای منافع دو کشور را نمایش داده است:

اقدامات لازم برای تضمین امنیت منطقه‌ای از سوی آمریکا	اقدامات لازم برای تضمین امنیت منطقه از سوی ایران و عربستان
دو کشور ایران و عربستان را تشویق روشمند به موازنه قدرت نماید	دو طرف نباید یکدیگر را برای موازنه قدرت منطقه‌ای نادیده بگیرند. باید همه بازیگران منطقه‌ای در این توازن قدرت نقش ایفا کنند
رد تحمیل از خارج یک روایت خاص از رویدادها در خاورمیانه	بدون موازنه قدرت، ایران و عربستان هزینه دولت‌های ضعیف منطقه می‌شوند
مداخلات خارجی عدم توازن قدرت ایجاد می‌کند. آمریکا در حد امکان از مداخله اجتناب نماید	بهره‌گیری از اهرم انرژی در بازار جهانی با روابط متوازن ایران و عربستان حاصل می‌شود
امریکا نقش موازنه دهنده با حسن نیت و بی‌طرفی ایفا نماید	به سرمایه‌های مشترک مثل دین، هسمايگی و تاریخ مشترک تاکید کنند
امریکا باید بپذیرد که قدرت بی‌رقیب در خاورمیانه نمی‌باشد	ارتقاء خودتعادلی برای تضمین بلند مدت امنیت خلیج فارس
نباید صرفاً از عربستان جانبداری نماید و یا در صدد مهار ایران باشد. باید نقش منطقه‌ای ایران نیز در کنار عربستان به رسمیت بشناسد	ابرا ن به خاطر تنش با امریکا مخالف رابطه عربستان با امریکا نباشد و عربستان نیز از سیاست‌های امریکا- مانند مهار و تهدید و تحریم- بر علیه ایران حمایت نکند
برای هماهنگی زیر سیستم خلیج فارس با نظام بین‌الملل تلاش کند	از نفوذ خود در میان بازیگران دولتی و غیر دولتی منطقه علیه یکدیگر استفاده نکنند

منبع: نگارنده



با این حال، مهم است که در اهمیت ایجاد توازن در سیاست‌های ایران و عربستان اغراق نکنیم، ایجاد توازن و حفظ آن دشوار است، همانطور که تاریخ روابط ایران و عربستان به اندازه کافی نشان داده است. اختلاف فاحش فروش تسلیحات توسط غرب و واشنگتن به عربستان در مقایسه با ایران چیزهای زیادی را بر جای می‌گذارد. نیازی به گفتن نیست که این اقدام تهران را برای دستیابی به قابلیت‌های بازدارنده یا تهاجمی نامتقارن تشویق می‌کند. در این زمینه، رویکرد موازنه قوا نمی‌تواند همکاری عربستان و ایران را فرض کند، اما می‌تواند آن را تشویق کند. تا به امروز، چندین پیشنهاد، از جمله پیشنهاد تهران برای یک پیمان عدم تجاوز با همسایگان عرب خلیج فارس، با هدف بازگرداندن چنین تعادلی نتوانسته چارچوبی برای همکاری امنیتی ایجاد کند. عربستان هرگز به طور کامل از ایده توازن قوا با ایران که می‌تواند به معنای افزایش توانایی ایران برای اعمال سیاست‌های خلیج فارس و بازگرداندن روابط آسیب‌دیده تهران با غرب باشد، استقبال نکرده است (Al-Monitor, 2021: 1-2). علاوه بر این، روابط با ایران تنها در صورتی مطلوب است که منافع و امنیت عربستان ارتقاء دهد. اما آن‌ها روابط با آمریکا را بسیار مهمتر از ایران می‌دانستند. در سال ۲۰۰۴، ریاض مشارکت ایران در ساختار امنیتی منطقه خلیج فارس را تشویق کرد و متعاقباً حمایت از مدل هلسنکی برای حل مناقشه در میان کشورهای خلیج فارس اتخاذ شد. هر دو پیشنهاد نابهنگام بودند؛ زیرا مستلزم تضمین اعراب برای عدم مداخله ایران در امور آنها بود. علاوه بر این، آنها قصد داشتند رفتار ایران را برای محافظت از خود کنترل کنند. ایران حتی اگر بخواهد تا زمانی که هدف اصلی سیاست خارجی‌اش دستیابی به برابری استراتژیک در منطقه با آمریکا و متحدانش در خلیج فارس متمرکز باشد، نمی‌تواند چنین تضمینی را ارائه کند. تشدید نگرانی‌های عربستان در مورد فعالیت ایران، عدم اطمینان در رابطه با آمریکا در دوران ریاست جمهوری اوباما بود که ناشی از تعامل دیپلماتیک واشنگتن با ایران، به ویژه امضای توافق هسته‌ای و امنیت منطقه‌ای بود. اوباما در مصاحبه با جفری گلدبرگ از آتلانتیک، به وضوح دیدگاه خود را در مورد رقابت بین سعودی‌ها و ایرانی‌ها بیان کرد. او گفت: رقابت بین سعودی‌ها و ایرانی‌ها که به دامن زدن به جنگ‌های نیابتی و هرج و مرج در سوریه، عراق و یمن کمک کرده است، ما را ملزم می‌کند که به دوستانمان و همچنین به ایرانی‌ها بگوییم که باید راهی مؤثر برای حسن همجواری بیابید و نوعی صلح سرد برقرار کنید (Goldberg, 2016: 1-3). جای تعجب نیست که سخنان اوباما در ریاض مورد استقبال قرار نگرفت. انفعال اوباما در سوریه و ناکارآمدی در مصر خشم بسیاری را برانگیخت. در نتیجه، پایان دوره ریاست جمهوری اوباما مورد استقبال تعدادی از کشورهای عربی قرار گرفت. زمانی که دونالد ترامپ پیروز

اعلام شد، کشورهای حاشیه خلیج فارس به ویژه پس از خروج آمریکا از برجام و اعمال کمپین «فشار حداکثری» بر ایران، خوشبین بودند. در نتیجه، سیاست خاورمیانه‌ای دولت ترامپ بر محدود کردن نفوذ ایران متمرکز شد (Filkins, 2018: 1-9). اساس این استراتژی ظهور یک شاهزاده جوان سعودی بود که از نظر بسیاری در واشنگتن به عنوان تاثیرگذارترین بازیگر در خاورمیانه شناخته می‌شود. همانطور که یکی از مقامات ترامپ گفت: قرار بود او را به عنوان عامل تغییر در آغوش بکشند. محمد بن سلمان در صحبت با جفری گلدبرگ در یک سفر جمع آوری کمک مالی به آمریکا، از نظام سیاسی ایران انتقاد کرد و گفته بود: هیتلر کاری را که ج.ا.ایران می‌خواهد انجام دهد، انجام نداد. هیتلر سعی کرد اروپا را تسخیر کند، اما ج.ا.ایران در تلاش برای تسخیر جهان است (Goldberg, 2018: 3). انتخاب جو بایدن در پاییز ۲۰۲۰ نگرانی زیادی را در میان بسیاری از کشورهای حاشیه خلیج فارس برانگیخت، زیرا از بازگشت به نوعی تعامل دوران اوباما با ایران می‌ترسیدند. نگرانی از اینکه دولت احتمالی بایدن برای سیاست منطقه‌ای چه معنایی می‌تواند داشته باشد، چندین کشور حاشیه خلیج فارس را بر آن داشت تا روابط خود را با اسرائیل در توافقنامه ابراهیم رسمی کنند. هر چند عربستان روابط خود را با اسرائیل عادی نکرد؛ اما به حفظ ضمنی رابطه خود ادامه داد (Jones, and Guzansky, 2020: 4-12). بایدن پس از تحلیف خود در اوایل سال ۲۰۲۱، به دنبال احیای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و در کنار آن، پایان دادن به جنگ در یمن بود. در این زمان، مقامات عربستان و ایران در مجموعه‌ای از ابتکارات دیپلماتیک مسیر دوم که توسط تعدادی از سازمان‌های بین‌المللی سازماندهی شده بود، شرکت می‌کردند. روندهای مسیر دوم که برای بهبود روابط بین دو کشور طراحی شده بود، در سال ۲۰۲۰ مورد توجه قرار گرفت و منجر به یک ابتکار دیپلماتیک رسمی به میزبانی عراق در تابستان ۲۰۲۱ شد که به دنبال ادغام مجدد ایران در امور منطقه‌ای بود (Fraihat, 2020: 161-16). در نهایت این ابتکارات، اغراق غرب در تنش‌های اعراب و ایران برای ایجاد وحدت اعراب و اسرائیل در این روند بیهوده خواهد بود. اسرائیل خطرات بسیار جدی تری نسبت به ایران دارد. علاوه بر این، اسرائیل نمی‌تواند نقش امنیتی ایران در خلیج فارس را ایفا کند (Connor, 2021: 1-7). مورد برنامه هسته‌ای ایران و عزم عربستان برای تطبیق با این توانایی، به تنهایی نشان می‌دهد که این نقش موازی چقدر برای امنیت منطقه حیاتی است. هنگامی که نشانه‌هایی مبنی بر تمایل ایران به مهار برنامه هسته‌ای خود ظاهر می‌شود، عربستان علیرغم تردید در مورد برنامه هسته‌ای اسرائیل، اصرار خود را بر دستیابی به توانایی هسته‌ای کاهش می‌دهد (Reuters, 2021: 1-2).



۵- دلایل توافق و الزامات گسترش همکاری ایران و عربستان

ایران اعلام کرده که روابط دیپلماتیک خود را با عربستان پس از یک وقفه هفت ساله به عنوان بخشی از توافقی که با میانجیگری چین انجام شده است، احیا کرد. توافقی که در پکن حاصل شد، نتیجه تقریباً یک سال و نیم گفتگوهای عمدتاً آرام بین ایران و عربستان است که توسط تعدادی از کشورها از جمله چین، عراق، عمان، روسیه و امریکا (رویکرد اوباما و بایدن) تسهیل شد. تهران و ریاض توافق کردند که مفاد این توافق طولانی را محرمانه نگه دارند. اما نکات کلیدی این توافق بر تضمین ثبات منطقه‌ای در خلیج فارس و خاورمیانه به طور گسترده تر متمرکز است. هدف از این توافق این است که دو طرف به جای درگیری به ضرر منطقه، گفتگوی دیپلماتیک باز داشته باشند. بنا بر گزارش‌ها، این توافق متضمن تضمین‌های متقابل است که نه ایران و نه عربستان منافع طرف مقابل را در طیفی از موضوعات در حوزه‌های سیاسی، اطلاعاتی، امنیتی و رسانه‌ای تخریب نکنند تا گام‌های اعتمادسازی در پی داشته باشد (Keynoush, 2023: 4-5). با این حال، این توافق، حمایت ایران از «محور مقاومت» را که مجموعه‌ای از متحدان منطقه‌ای است که تهران برای تقویت امنیت خود استفاده می‌کند، متوقف نخواهد کرد. در نهایت، پرونده‌های منطقه‌ای اولویت فوری در توافق نبود، اما بهبود روابط دوجانبه می‌تواند منجر به کاهش تنش‌ها و افزایش ثبات شود. تهران و ریاض در مجموع پنج دور گفتگو در عراق و سه دور نشست امنیتی در مسقط برای دستیابی به توافق در پکن برگزار کردند (Keynoush, 2023: 5-8).

۵-۱- دلایل توافق عربستان با ایران

از منظر استراتژیک عربستان، این توافق رقابت را به عرصه اقتصادی و دور از رقابت سیاسی و امنیتی سوق می‌دهد، زیرا این رقابت برای هر دو طرف پرهزینه است. با این اوصاف، دلایل مستقیم امضای این قرارداد توسط عربستان در شش نکته قابل تبیین است: اول، درک عربستان از تغییر اولویت‌های امریکا در دهه گذشته، محاسبات امنیتی عربستان را تغییر داده است. تمایل امریکا برای جدا شدن از منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و انتقال منابع نظامی و دیپلماتیک خود برای خدمت بهتر به رقابت خود با چین؛ توافق هسته‌ای اوباما با ایران در سال ۲۰۱۵ و سیاست اعلام شده او مبنی بر اینکه ایران و عربستان نیاز دارند راهی موثر برای حسن همجواری و برقراری نوعی صلح سرد بیابند و عدم مداخله امریکا در برابر حمله پهلادی حوثی‌ها به تأسیسات غول نفتی آرامکو، ریاض را متقاعد کرده است که دیگر نمی‌تواند برای امنیت خود تنها به واشنگتن تکیه کند. در پاسخ به این محاسبات متغیر امنیتی، انتخاب عربستان این است که یا خصومت‌ها با ایران

را کم کند یا با استفاده از رقابت قدرت‌های بزرگ به نفع خود و تنوع بخشیدن به امنیت خود، تضمین‌های امنیتی موجود را که از امریکا دارد، تکمیل کند. به نظر می‌رسد ریاض یک استراتژی ترکیبی را انتخاب کرده است. از یک سو، تعامل دیپلماتیک با ایران برای تکمیل بازدارندگی با دیپلماسی به وجود آورد و از سوی دیگر، عربستان به دنبال بهره‌مندی از فرصت‌های دیپلماسی چندجانبه است تا ضامن سیاسی جدیدی را وارد کند که اهرم بیشتری بر تهران دارد. در این مورد چین چنین نقشی را می‌تواند داشته باشد. توجه به این نکته مهم است که این تعدیل‌ها نشان‌دهنده تلاش برای جایگزینی امریکا نیست؛ بلکه به معنای تعامل با چین در مناطقی است که سیاست امریکا ناکافی و یا ناکارآمد بوده است. دوم، عربستان هیچ علاقه‌ای به هیچ جنگی در منطقه خلیج فارس ندارد. شکست سیاست فشار حداکثری آمریکا بر ایران، سیاست تهران برای افزایش غنی‌سازی اورانیوم، و تهدید اسرائیل برای بمباران تأسیسات هسته‌ای ایران، منطقه را به‌طور نامطمئنی در آستانه جنگ قرار داد.

عربستان نمی‌خواهد بخشی از این تشدید تنش باشد که امنیت آن را تضعیف کرده و تحول اجتماعی و اقتصادی آن را به تأخیر می‌اندازد (Hamasaheed and Garrett, 2023: 1-4). احیای روابط با ایران پیام روشنی به ایرانیان، امریکا و اسرائیل می‌دهد که عربستان مایل به خطر جنگ مستقیم با همسایه خود نیست. سوم، وقتی صحبت از ایران می‌شود، اولویت‌های امنیتی عربستان به حمایت جمهوری اسلامی از یمن و عراق، علاوه بر برنامه موشکی متعارف مربوط می‌شود. این دو اولویت بخشی از مذاکرات آمریکا و شرکای اروپایی آنها با ایران نیست. در حالی که عربستان کاملاً آگاه است که ایران محدودیتی برای برنامه موشکی خود ایجاد نخواهد کرد، اما معتقد است که عادی‌سازی روابط مسیر جایگزینی است که ممکن است به ثبات منطقه، به ویژه در عراق و یمن کمک کند. چهارم، و حداقل برای یک دهه آینده، اولویت عربستان برنامه تحول اجتماعی و اقتصادی آن است که در چشم‌انداز ۲۰۳۰ توضیح داده شده است که با داشتن روابط عادی با ایران محقق شود. بر این اساس، عربستان بر این باور است که اگر تنش‌هایی را با تهران ایجاد کند، تنها به برنامه تحول اجتماعی و اقتصادی خود آسیب می‌زند. پنجم، عربستان امیدوار است که حضور چین بتواند توافق پایدارتری را تضمین کند. ششم، ثبات منطقه برای عربستان بیشترین اهمیت را دارد زیرا رقابت پرهزینه است. عربستان این قرارداد را با اهداف خیرخواهانه امضا نمی‌کند؛ این کشور می‌داند که تغییر منطقه از یک بازی حاصل جمع صفر به غیر صفر مزایای اقتصادی عمده‌ای نیز برای عربستان- از جمله بهره‌مندی از بازار بزرگ ایران- دارد (Yasmine, 2023: 1-7).



۲-۵- دلایل توافق ایران با عربستان

از سوی دیگر، انگیزه ایران برای توافق تحت استراتژی گسترده‌تر جدا شدن از غرب از طریق دو استراتژی کلیدی سیاست خارجی «نگاه به شرق» و «سیاست همسایگی» قرار دارد. اولی خواستار روابط قوی تر با چین و روسیه است در حالی که دومی پانزده کشور همسایه ایران را به عنوان شرکای اصلی اقتصادی و سیاسی در اولویت قرار می‌دهد. این توافق یک پیروزی دیپلماتیک برای دولت ابراهیم رئیسی به ارمغان آورد، اما انگیزه‌های واقعی که منجر به تصمیم سیستمی جمهوری اسلامی برای موافقت با این توافق شد، پیچیده‌تر به نظر می‌رسد: اول اینکه جمهوری اسلامی با اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ مواجه شد. در این میان، نهادهای امنیتی ایران متقاعد شدند که عربستان یک کمپین رسانه‌ای فارسی زبان «تلویزیون اینترنتی ایران» را تأمین مالی می‌کند. توافق ایران با عربستان موجب می‌شود، عربستان از تبلیغات منفی رسانه‌ای علیه ایران خوداری کند. دوم، تهران توافق با عربستان را راهی برای پیگیری سیاست هسته‌ای خود با دست بازتر می‌داند. تهران معتقد است از طریق توافق با عربستان می‌تواند از مواجهه با یک بحران بزرگ منطقه‌ای اجتناب کند و در عین حال تنش‌ها را با آمریکا و اسرائیل بر سر موضوع هسته‌ای مدیریت کند. سوم، توافق برای تهران دارای ارزش استراتژیک در بازدارندگی از همکاری امنیتی آینده عربستان و اسرائیل است. با وجود اینکه عادی‌سازی عربستان و اسرائیل دور از دسترس است، چشم انداز همکاری امنیتی ریاض و تل آویو علیه تهران به وزنه سنگین تری در درک تهدید تهران تبدیل شده است. چهارم، این توافق به جمهوری اسلامی کمک می‌کند تا دستاوردهای خود را در سراسر سوریه، عراق و لبنان تثبیت کند. در این نقاط داغ که ایران در آنها دست برتر را دارد، کمرنگ کردن رقابت با ریاض می‌تواند به تهران کمک کند تا وضعیت موجود را حفظ کند. علاوه بر این، همانطور که در مورد عراق ثابت شد، جایی که تهران علیرغم حضور آمریکا، نفوذ خود را حفظ کرد، به نظر می‌رسد ایرانی‌ها مطمئن هستند که احیا روابط عربستان با سوریه نیز، منافع آنها را از لحاظ استراتژیک به خطر نمی‌اندازد. پنجم، تهران دخالت چین در مسائل امنیتی خلیج فارس را مرحله‌ای از آمریکایی زدایی از نظم منطقه می‌داند و بر این باور است که افزایش تعداد فرمت‌های چندجانبه و ابتکارات دیپلماتیک بدون حضور غرب در نهایت به تضعیف ساختار امنیتی تحت رهبری آمریکا در منطقه کمک خواهد کرد. تهران ترجیح می‌دهد به عنوان بخشی از این روند، چین را در امور امنیتی خلیج فارس به میدان بکشد. تهران معتقد است می‌تواند به حضور قوی‌تر چین و محدود کردن آزادی عمل آمریکا کمک کند. ششم، ایران می‌داند که عربستان در حال توسعه فناوری‌های موشکی و پهپادی خود با کمک چین



و امریکا برای کارآمدتر شدن قابلیت‌های دفاعی است (Keynoush, 2023: 1-6). بنابراین، ضمن حفظ مزیت نسبی ایران در پهپادها و موشک‌های متنوع، توافق به نفع ایران نیز هست تا رقابت تسلیحاتی در منطقه ایجاد نشود. به طور خلاصه، بازدارندگی و مهار یک سیاست اصلی برای هر دو طرف باقی خواهد ماند. عادی‌سازی روابط دیپلماتیک قطعاً به کاهش تنش‌ها کمک می‌کند؛ اما برای معکوس کردن این روندها و گسترش همکاری کافی نخواهد بود (Crisisgroup, 2023: 2-9).

۳-۵- الزامات گسترش همکاری عرب

شایان ذکر است که عربستان در بخش اعظم تاریخ مشترک خود، تسامح استثنایی نسبت به رهبران ایران از خود نشان داده و به طور کلی، ایران در قبال عربستان محتاط بوده است. تا کنون، درهم تنیدگی سیاست خارجی با منافع نخبگان سستی در عربستان باعث شده است که هر دو کشور ترجیح دهند از رویارویی مستقیم اجتناب کنند. این مسئله توضیح می‌دهد که چرا این دو کشور سفارتخانه‌های خود را با وجود اختلافات سیاسی آشکار در پایتخت‌های خود بازگشایی کردند. از نظر مقامات عربستان فشارهای کنونی عربستان بر ایران در منطقه به جای تشویق به خصومت دائمی بین دو کشور، به منظور بازگرداندن ایران به مسیر اصلی بوده است. در مقابل این پس زمینه، ایران باید در حالت ایده آل به گونه‌ای رفتار کند که رهبری عربستان به راحتی از آن دفاع کند، حتی زمانی که مواضع ایران باید با منافع آمریکا یا عربستان در منطقه مخالف باشد. سیاست‌های ایران باید به هر قیمتی از دامن زدن به دوگانگی دائمی در مورد میزان تعامل یا مهار ایران توسط عربستان جلوگیری کند؛ به ویژه زمانی که منطقه مملو از تنش‌هایی است که می‌تواند توانایی ریاض را به چالش بکشد. این امر عربستان را تشویق می‌کند تا هر زمان که تهران نشانه‌هایی از میانه‌روی نشان می‌دهد، بهتر با ایران کنار بیاید و به عربستان اجازه می‌دهد تا بر اختلافات احتمالی خانواده سلطنتی در مورد نحوه مدیریت روابط با ایران، بهتر غلبه کند. مهم است که بدانیم درگیری بین عربستان و ایران بین شیعه و سنی نیست. ایدئولوژی ممکن است نقش منطقه‌ای عربستان و ایران را هدایت کند، اما انگیزه اصلی، دستیابی به امنیت است (Alotaibi, 2023: 2-5). کسانی که تجربه دست اول زندگی در میان این جوامع را داشته‌اند، می‌دانند که آنها برای مدت طولانی به صورت مسالمت آمیز همزیستی داشته‌اند. سیاست‌هایی که امنیت عربستان و ایران را مختل می‌کند، خطر رقابت ایدئولوژیک را تشدید می‌کند، اما پس از دستیابی به امنیت، ریاض و تهران همچنان می‌توانند در چارچوب ایدئولوژی خود رفتار سیاست خارجی خود را شکل دهند. اما اگر امنیت آن‌ها به خطر بیفتد، هیچ تضمینی وجود ندارد که آنها این ظرفیت را حفظ کنند. ضروری است که ایران



و شیعیان عربستان، گفتمان روشنگرانه‌ای را بپذیرند تا به عنوان یک نیروی تعدیل کننده در زمان تنش‌های منطقه‌ای عمل کند، و این نیز مستلزم تعامل مداوم بین عربستان و ایران در مورد چالش واقعی و گسترده ستیزه جویان اسلام گرا چه از سوی سنی ها و چه شیعیان علیه دو کشور است. عربستان باید توانایی تقویت روابط متقابل بین شیعیان عرب و سنی ها را نشان دهد (Pollack, 2022: 1). مهمتر از آن، با گسترش پایگاه قدرت سیاسی شیعیان عرب، ایران باید یک سیاست خارجی صادقانه را تضمین کند. در بنیادی‌ترین سطح، لازم است کلیشه‌های ایدئولوژیک رایج پیرامون روابط عربستان و ایران از بین برود. برای مثال، سعودی‌ها باید از اشتباه گرفتن خواست ایران برای رهبری مسلمانان محروم با اهداف ایران برای انکار عربستان از قیمومیت مکه و مدینه خودداری کنند. نخبگان سیاسی ایران ترجیح می‌دهند که مسئله قیمومیت دو شهر مقدس را دست نخورده رها کنند. در حالی که ایران پیشرفت شیعیان را مد نظر دارد، اما به اصول بزرگ تری پایبند است که از لحاظ تاریخی رویه‌های شیعیان را شکل داده و عمل‌گرایی را برای حفظ خود در جهان مسلمان سنی مسلط ترغیب می‌کند. اما ایجاد روابط بهبود یافته با ایران مستلزم سطح بالاتری از انسجام داخلی در عربستان است. هر چه دولت سعودی به عنوان یک دولت-ملت مدرن منسجم‌تر شود، بهتر از کشوری که در آن جهت‌گیری‌های قبیله‌ای یا فرعی دیگر مانند عرب‌گرایی و.. وجود دارد، می‌تواند روابط خود را با ایران تقویت نماید. این به نوبه خود می‌تواند ترس از آرمان‌های انقلاب ایران را تعدیل و تهران را تشویق کند تا سیاست‌هایی را در قبال عربستان تدوین کند که مستقل از جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک مربوطه باشد (Economic Stimulus, 2023: 1-6). جدول ۳ الزامات تحقق گسترش همکاری ایران و عربستان را نمایش داده است:

ردیف	الزامات تقویت همکاری ایران و عربستان بعد از احیا روابط دیپلماتیک در سال ۲۰۲۳
۱	حمایت ایران از محور مقاومت ضد اسرائیلی نباید از سوی عربستان تهدید علیه امنیت ملی آن تلقی شود، اصل عدم مداخله در امور یکدیگر به رسمیت بشناسند
۲	ایران به تمایل عربستان برای حل پرونده‌های امنیتی منطقه به کمک ایران مثل یمن پاسخ مثبت بدهد.
۳	انتظار تغییر استراتژی یکدیگر نداشته باشند، قدرت و نفوذ منطقه‌ای یکدیگر را تضعیف نکنند و درگیری طولانی مدت را با مبادلات دوجانبه جایگزین کنند
۴	فعالیت‌های ایدئولوژی آن‌ها در منطقه به گونه‌ای باشد که در صدد مشروعیت زدایی از یکدیگر نباشند، فرقه‌گرایی را دامن نزنند و در صدد مهار یکدیگر نباشند

ردیف	الزامات تقویت همکاری ایران و عربستان بعد از احیا روابط دیپلماتیک در سال ۲۰۲۳
۵	از سیاست‌هایی که امنیت متقابل را به خطر می‌اندازد اجتناب کنند، مجموعه امنیتی با حضور دو کشور شکل دهند،
۶	تعامل مداوم دو کشور برای مقابله با چالش‌های واقعی و گسترده در منطقه
۷	تقویت رابطه شیعیان و سنی‌ها در سراسر منطقه و در سطح داخلی توسط دو کشور، دو کشور از افزایش مشارکت سیاسی پیروان مذاهب اسلامی حمایت کنند
۸	کلیشه‌های رایج ایدئولوژی در روابط دو کشور رفع شود، عربستان نباید خواست ایران برای رهبری مستضعفان را با هدف ایران برای انکار عربستان از قیمومت مکه و مدینه اشتباه بگیرد
۹	انسجام داخلی عربستان و فاصله گرفتن آن از جهت‌گیری‌هایی مثل قبیله‌گرایی، عرب‌گرایی و...
۱۰	عربستان تنش‌ها با ایران را به خطوط گسل ایدئولوژیک نسبت ندهد و عملگرایی مثل ایران اتخاذ نماید
۱۱	عربستان و ایران باید صرف نظر از ساختار سیاسی-مذهبی دو کشور همکاری پایدار را با دولت و ملت یکدیگر توسعه دهند و سیاست حسن همجواری را رعایت نمایند

منبع: نگارنده

نتیجه‌گیری

ثروت و نفوذ مذهبی عربستان قادر به مقابله با نفوذ ایران در عراق پس از صدام نبود و نتوانست مانع از قدرت گرفتن حزب الله در لبنان شود و تلاش‌های مداوم آن برای آشتی دادن گروه‌های فلسطینی بی‌نتیجه مانده است. روابط امریکا و عربستان تحت تأثیر این چالش‌ها و چالش‌های دیگر قرار گرفته است. از جمله نارضایتی عربستان از تصمیم واشنگتن، فاصله گرفتن از رئیس جمهور مصر، حسنی مبارک، عدم پیشرفت در روند صلح اسرائیل و فلسطین و ایران است. امریکا به نوبه خود از مداخله عربستان در بحرین و یمن و حمایت عربستان از اسلامگرایان تندرو در سراسر منطقه و جهان نارضاضی است. از این رو دو لنگر سنتی روابط امریکا و عربستان یعنی جنگ سرد و نقش امریکا در استخراج نفت عربستان دیگر عوامل موثر در روابط دو کشور نیستند. عربستان نمی‌تواند صرفاً به امریکا تکیه کند تا امنیت خود را تضمین نماید. این وضعیت عربستان را به سوی استراتژی ترکیبی همکاری با ایران و چین-ضمن حفظ همکاری با امریکا-کشاند. اما علیرغم توافق بین عربستان و ایران، چالش‌ها باقی می‌ماند. از آنجایی که تعاملات در

زمینه فراملی به طور فزاینده‌ای متلاشی می‌شود، خصوصیت در سراسر کشورها در زمینه فراملی طنین انداز می‌شود، به ویژه آنهایی که شامل جوامع تقسیم شده و یا گروه‌هایی هستند که با دستورالعمل‌های قدرت‌های منطقه‌ای موافق هستند. چنین شکاف‌هایی با فرآیندهای فرقه‌ای شدن که توسط عوامل ژئوپلیتیکی شکل می‌گیرد، تشدید می‌شود. رقابت بین عربستان و ایران تا حدودی پیش می‌رود. مارپیچ‌های لفاظی بین دو دولت به امری عادی تبدیل شده‌اند، این سخنان صرفاً ناشی از منابع هویتی متفاوت نیست، بلکه در میان بحران‌های سیاسی، به ویژه پس از انقلاب ایران و پس از قیام‌های عربی، یعنی احساس تهدید استراتژیک، کشش پیدا می‌کند. رویدادها و حوادث سیاسی فرصت‌هایی را برای شکل دادن به منطقه در تعقیب برنامه‌های ژئوپلیتیکی فراهم می‌کنند. بنابراین، اگر به رقابت بین ریاض و تهران نگاهی بیندازیم، می‌بینیم که در مواقع بحرانی، رقابت دوباره ترسیم می‌شود، اغلب به شیوه‌ای منفی، اما همچنین با ظرفیت تغییرات مثبت؛ همانطور که در پیامدهای زلزله ۱۹۹۰ مشاهده شد. دقیقاً مانند ساخت فضا، رقابت توسط نیروهای جهانی و پیچیدگی‌های بسیار کوچک سیاست داخلی شکل می‌گیرد. این رقابتی است که محصول اقتضای زمان و مکان است که از طریق تعامل عوامل بی‌شمار ساخته شده است. پس از انقلاب ایران، سرمایه مذهبی در تعریف اصول بینش اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرد و زمینه‌های سیاسی داخلی را در حوزه فراملی بیشتر گنجانند. تأثیر متقابل سرمایه‌های مذهبی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، ماهیت حوزه‌های سیاسی را شکل داد، زیرا بازیگران به دنبال تعریف اصول بینش در تعقیب نام خود بودند. با ادامه گفتگوهای دیپلماتیک بین سعودی‌ها و ایرانی‌ها، باید دید که آیا می‌توان به یک پیشرفت پایدار دست یافت یا خیر. گفتگوها در بغداد، وین، امان، پکن و گفتگوهای پشتیبان در سراسر جهان همگی به دنبال بهبود روابط بین رقبای دیرینه بوده است. آینده نبرد عربستان و ایران با تحولات عرصه فراملی و تجلی این تحولات در عرصه‌های سیاسی داخلی در سراسر منطقه شکل خواهد گرفت. علاوه بر این تعدادی از عوامل داخلی هستند که ظرفیت ریاض و تهران را برای فعالیت تعیین می‌کنند. هر دو کشور با فشارهای اقتصادی مواجه هستند که ناشی از رژیم تحریم‌های «فشار حداکثری» در ایران و تمایل به حرکت به سمت اقتصاد «پس از نفت» در عربستان است. این چالش‌های اقتصادی زمینه را برای گسترش همکاری ایران و عربستان فراهم کرده است. هر چقدر عربستان به سمت منابع هویتی مدرن برود به نفع روابط دو کشور خواهد بود. جامعه بین‌المللی باید تلاش کند تا اطمینان حاصل کند که نوعی توافق دیپلماتیک برای رفع تنش‌ها ایجاد شود. با این حال، حتی اگر مکانیسم‌های دیپلماتیک وجود داشته باشد و توافق پایدار حاصل شود، میراث رقابت بین ریاض و تهران برای دهه آینده همچنان محسوس خواهد بود.

- Al-Maeena, Khaled, (2001) 'Kingdom, Iran Sign Historic Agreement', Arab News, www.arabnews.com
- Akbar Hashemi Rafsanjani, (2015), <http://hashemirafsanjani.ir/en>
- Ajami, Fouad (1978)"The End of Pan-Arabism", Foreign Affairs , <https://www.foreignaffairs.com/>
- ALOTAIBI, LUJAIN (2023)" Saudi Arabia and Iran: Beyond Geopolitics", <https://carnegieendowment.org>
- .-Al-Monitor, (2021) "Iran Says "Remarkable Progress" Made in Saudi Arabia Talks", www.al-monitor.com/
- Bourdieu, Pierre (1990) The Logic of Practice, Stanford: Stanford University Press, <https://monoskop.org>
- Bourdieu, Pierre(1994) "Rethinking the State: Genesis and Structure of the -Bureaucratic Field", American Sociological Association, Sociological Theory 12: 1, <https://www.jstor.org/>
- BBC News, (24 November 2017), "Iran Hits Back Over Saudi Prince's "Hitler" Comment", www.bbc.com
- Connor, Tom O(2021) "Saudi Arabia's MBS Wants 'Good' Relations with Iran as Rivals Reportedly Talk in Iraq", www.newsweek.com/
- Crisisgroup(2023) "The Impact of the Saudi-Iranian Rapprochement on Middle East Conflicts"<https://www.crisisgroup.org>
- Darwich, May(2019) Threats and Alliances in the Middle East: Saudi and Syrian Policies in a Turbulent Region, Cambridge: Cambridge University Press, <https://www.cambridge.org/>
- Dodge, Toby (2018)"Bourdieu Goes to Baghdad: Explaining Hybrid Political Identities in Iraq", Journal of Historical Sociology 31 <https://onlinelibrary.wiley.com>
- EL HUSSEINI, ROLA (2010)"Hezbollah and the Axis of Refusal: Hamas, Iran and Syria" Taylor & Francis, <https://www.jstor.org/>
- Euronews(27.12.2015) "Iran's Rouhani Urges Muslim Countries to Unite", www.euronews.com
- Economic Stimulus, (2023)"Understanding Iran's motivation for restoring ties with Saudi Arabia" <https://futureuae.com>
- Furtig, Henner(2006) Iran's Rivalry with Saudi Arabia between the Gulf Wars, Reading: Ithaca Press, <https://www.amazon.com>
- Filkins, Dexter(2018)"A Saudi Prince's Quest to Remake the Middle East", New York, <https://www.newyorker.com>
- Fraihat, Ibrahim(2020) Iran and Saudi Arabia: Taming a Chaotic Conflict, Edinburgh: Edinburgh University Press, <https://www.tandfonline.com>



- Goldberg, Jeffrey (2018) "Saudi Crown Prince: Iran's Supreme Leader "Makes Hitler Look Good"", The Atlantic, www.theatlantic.com/
- Gause, F. Gregory (2020)" Saudi Arabia and Regional Leadership: The Impossibility of Hegemony", Middle East, Insights, <https://mei.nus.edu.sg/>
- Gause, Gregory(2011) "Saudi Arabia in the New Middle East", Council on Foreign Relations", www.cfr.org
- Ghattas, Kim (2020)'Darkness', Black Wave: Black Wave: Saudi Arabia, Iran, and the Forty-Year Rivalry that Unraveled Culture, Religion, and Collective Memory in the Middle East, New York: Henry Holt and Company, <https://www.amazon.com>
- Gause, F. Gregory (2014)"Beyond Sectarianism". <https://www.brookings.edu/>
- Halliday, Fred(1996) "Arabs and Persians beyond the Geopolitics of the Gulf", Cahiers d'etudes sur la Mediterranee orientale" , <https://journals.openedition.org/>
- Hamasaeed-Hamasaeed Adam and Garrett, Sarhang Nada, (2023)"What You Need to Know About China's Saudi-Iran Deal" <https://www.usip.org/>
- Hunter, Shireen (2019)Iran's Relations with Saudi Arabia: Rivals for Regional Supremacy', Arab-Iranian Relations: Dynamics of Conflict and Accommodation, London: Rowman and Littlefieldvn, <https://rowman.com/>
- Hiro, Dilip(2019) 'Introduction', Cold War in the Islamic World: Saudi Arabia, Iran and the Struggle for Supremacy. Oxford: Oxford University Press, <https://www.amazon.com>
- Hossein, Musavian, (2020)The Typology of Disputes in the Persian Gulf, A New Structure for Security, Peace, and Cooperation in the Persian Gulf, London: Rowman & Littlefield Publishers, <https://www.amazon.com>
- Jones, Clive and Guzansky Yoal, (2020)Fraternal Enemies, London: Hurst, <https://www.hurstpublishers.com>
- Jeffrey Goldberg, (2016), "The Obama Doctrine", The Atlantic , www.theatlantic.com/
- Keynoush, Banafsheh (2016) Saudi Arabia and Iran: Friends or Foes?, London: Palgrave <https://www.amazon.com/>
- Keynoush, Banafsheh (2023)"How Tehran views the Iranian-Saudi agreement", <https://www.mei.edu>
- Lefebvre, Henri(1991)" The Production of Space"Oxford: Blackwell, <https://monoskop.org/>
- Mabon, Simon(2020)" Houses Built on Sand: Violence, Sectarianism and Revolution in the Middle East" Manchester: Manchester University, <https://manchesteruniversitypress.co.uk/>
- Mason, Robert(2014) Foreign Policy in Iran and Saudi Arabia: Economics and Diplomacy in the Middle East, London: I.B. Tauris,
- Pamuk, Humeyra(2019) "Exclusive: U.S. Probe of Saudi Oil Attack Shows it Came from North" Reuters, www.reuters.com/article/



- Pollack, Kenneth M.(2022) "The Middle East Abhors A Vacuum", Foreign Affairs, www.foreignaffairs.com/
- Roches, Dave Des (2020)"After the Embargo: Iran's Weapons Agenda and its Regional Impact", Arab Gulf States Institute in Washington, www.youtube.com/
- Reuters Staff, (2017)"Price Protests Turn Political in Iran as Rallies Spread", Reuters, www.reuters.com
- Reuters, (2021) "Saudi King Tells U.N. Kingdom Supports Effort to Prevent Nuclear Iran", www.reuters.com/
- Stephen R., David, (1991)"Explaining Third World Alignments", World Politics, 43: 2 <https://www.jstor.org/>
- The New York Times, (14 May 2003) "Al Qaeda is Now Suspected in 1996 Bombing of Barracks", www.nytimes.com/
- The World Bank, (2021)"Military Expenditure", [https:// data.worldbank.org/](https://data.worldbank.org/)
- Tehran Times, (20 June 2021) "Saudis May See Opportunity in Raisi Win to Mend Ties with Iran", www.tehrantimes.com/
- YASMINE FAROU, (2023)"Riyadh's Motivations Behind the Saudi-IranDeal" <https://carnegieendowment.org/>

DOI: 10.21859/priw-130401

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

رحیمی، رئوف (۱۴۰۲)، تحلیل رقابت و همکاری منطقه‌ای ج.ا. ایران و عربستان با تأکید بر احیای روابط دیپلماتیک در سال ۲۰۲۳، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۱۳، ش ۴، زمستان ۱۴۰۲، صص ۲۹-۵۷.

